

غریبه‌ای در غبار

سمیه بهرامی

www.ketab.ir

سر شناسه	: بهرامی، سمیه، ۱۳۵۹ -
عنوان و پدیدآور	: غریبه‌ای در غبار / سمیه بهرامی.
مشخصات نشر	: تبریز: اختر، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۷۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۴۸۸-۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا	
موضوع	: داستان‌های فارسی — قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ غ ۳۷/۵۷۲-PIR۷۹۷۲
رده بندی دیویی	: ۸۱۴۳/۶۲
شماره کتابخانه ملی	: ۳۵۰۳۴۶۱



نشر اختر

غریبه‌ای در غبار

مؤلف: سمیه بهرامی

چاپ سهند، صحافی امین

چاپ اول ۱۳۹۳ / ۷۲ صفحه / قطع پالتویی / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۴۸۸-۸

مرکز فروش: تبریز- اول خیابان طالقانی، نشر اختر

تلفن: ۰۴۱-۳۵۵۵۵۳۹۳

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

"بالحق"

نخست اغتشاش بود و طغیان و پس از آن
زمین فراخ سینه، مسکن هستی‌ها و وحدت در
عناصر شد.

وحدت از تضاد و ناسازگاری مرکب گردید و تا
زمانی که این ناسازگاری در عناصر پدیدار شد
هماهنگی ناممکن نمود و آنگاه عشق متولد گردید.
و الفت و وزن را به طبیعت بخشید و جهان به
سوی تکامل راهی شد..

خالق عشق، انرژی را حراج و ارزانی کرد و
مردمانش آن را به قلبهایشان آویختند و تا مادام
زنده و مقدس نگاه داشتند.

خداوند عشق زیباترین و فرخنده‌ترین بود و
می‌دانست آنجا که عشق است، فرمانبری است و
آنجا که فرمانبری است دادگستری است.

عشق دادگستر است و با اعتدال و پرهیزگار.
همه چیز در صلح و آرامش بود که ناگاه زاغی
شوم و سیاه بر فراز آسمان این زمین گسترده پر
گشود و نفرت زائیده شد، و ما بین این دو، یعنی
عشق و نفرت، عادت پدید آمد.

و مردمان از آن زمان بود که عادت را به غلط
عشق نامیدند و خالق عشق دل شکسته شد.
غافل از آنکه این دو، نقطهٔ مقابل هم ند و کاملاً
تمیز شده از یکدیگر.

عشق را با پیری دشمنی است و پیری نزدیک
عشق نتواند شدن.

اما جوانی و عشق پیوسته در جوار هم زیست
می کنند و از یک جنس اند.

عاشق هرگز به دنبال وصال نیست و آگه است
که وصلت مرگِ عشق اوست.

از دور به معشوقهٔ خویش نظاره گر است و هرگز
پا را فراتر از حیطةٔ خویش نمی گذارد.

قدومِ عشق، لطیف و نازک است و بر لطافت آن
این دلیل اقامه است که عشق هرگز پا به زمین
سخت نمی گذارد و پا بر سر مردمان نیز نمی گذارد
(عقل) و کار آن با دل و جان مردم است و پا بر

قلب آدمیان می‌گذارد که لطیف‌ترین چیزهاست.
جایی که لطافت است گذرگاه عشق است و
آنجاست که عشق منزل می‌کند.

عشق همواره به چیزی تعلق دارد.
به چیزی که عاشق فاقد آن است و در طلب و
اشتیاق آن.

عشق انواع مختلف دارد و والاترین آن عشقی
است که آسمانی ست و در ایجادش ماده و ذره
سهمی نداشته است، این عشق از هوسرانی بری و
به دور است، همیشه جاویدان و زنده است و شاید
پنهان بر قلبها سلطه می‌کند.

مرزی نمی‌شناسد و خداوند انرژی است و
جوانی.

با وصلت می‌میرد و هجران و غم معشوق او را
احیاء می‌کند و زندگی می‌بخشد.

هیچ گاه ناسازگاری در طبیعت معشوقه‌اش
پدید نمی‌آورد و ذره‌ای بر آزار آن نمی‌کوشد.

این عشق است که با قدرت خود بیابا نه‌ای
خشک را سرسبز می‌کند، گوسفندان را می‌چراند،
گرسنگان را سیر می‌کند، تشنگان را سیراب
می‌کند و به عالم انرژی می‌بخشد.

عشق نزدیکترین دوست آدمیان است و
شفابخش دردهایی است که راه خوشبختی را بر
بشر بسته اند.

به امید آن روز که عشق مقدس آسمانی را به
عشق بازاری آلوده نسازیم و با نیروی عظیم و
بیکران آن در اعماق جاودانگی غرق شویم.
در نهایت

تبریک به آدمیان که از نعمت عشق
برخوردارند
و سپاس خداوندی را که عشق را آفرید و خود
نیز عاشق شد.

این کتاب تقدیم به یاهوی مقدس‌ام،
و تقدیم به تمامی فراتی که با احیاء کردن
یاهوی عاشق در خویشتن دیگر ذره نیستند و
موجی رونده شده‌اند که روزی به نور مطلق
خواهند پیوست.

((والسلام))

سمیه بهرامی

سخنی با نویسنده:

" غریبه نمادی از شخصیت خاصی نیست، منظور از غریبه در داستان، فردی است که نویسنده بتواند سخنان خود را از زبان شخصیتی داستانی نقل کند. برای او نامی در نظر گرفته نشده تا نظر خواننده را به فردی خاص معطوف نسازد و خواننده شخصیتی را که بیشتر در ذهن خود به هنگام خواندن مطالب زنده می‌کند در قالب گفته‌های نویسنده شکل دهد.

غریبه شخصیتی است نزدیک به شخصیت‌های اسطوره‌ای و تاریخی، شخصیتی که همیشه سرمشق زندگی انسانها بوده و خواهد بود."